بررسی کارنامه ۴ ساله وزارت علوم در حوزه علمی-پژوهشی در گفت‌وگو با دکتر مهدی نژادنوری

موتور علم را خاموش کردند

عملکرد پژوهشی دولت یازدهم غیرقابل قبول است

■ امیرمحمد بهشت‌آیین ■

عکس‌ها: ابراهیم حیدری/ وطن امروز

توجه به زیرساخت‌های علمی و گسترش زمینه‌های پیشرفت فناوری و رقابت با تکنولوژی روز جهان در دنیایی که حرف اول را توان بهره‌مندی از دانســتەها و تجربه‌های بلامنازع بشر می‌زند، بدون شک مقدمه‌ای برای ورود به کارزار مدرن اســت. در این میدان جنگ که با هدایت دیپلماســی مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های کلان هر کشور، میزهای گفت‌وگو و مذاکره فعال می‌شوند، قوای اقتصادی را می‌توان به عنوان یکی از بازوهای برتر در این کارزار دانســت. بازویی که اتکای اصلی آن به توان بهره‌گیری از علم و تکنولوژی در اختیار بستگی دارد. در این راستا کسب اطلاع از وضعیت علمی بویژه سرعت رشد کمی و کیفی آن، می‌تواند دورنمای روشن و دقیق‌تری از افق پیش روی ارتباط میان اقتصاد و صنعت وابسته به علم تولیدی کشور را در اختیار ما بگذارد. بر همین اساس سراغ مهدی نژادنوری، معاون علمی و پژوهشی وزارت علوم در دولت دهم رفتیم تا ضمن بررسی عملکرد دولت یازدهم در حوزه فعالیت پژوهشگران، آسیب‌ها و راهکارهای پیش رو برای دسترسی بهتر و استفاده دقیق‌تر از فناوری‌های موجود در عرصه تولید علم و ارتباط صنعت با دانشگاه و در نهایت، استخراج ثروت و ارزش افزوده از این پروسه را مرور کنیم.

***

■ عملکرد معاونت پژوهشــی وزارت علوم در دولت یازدهم را چه طور ارزیابی می‌کنید؟ پژوهشــگران در این دولت با چه مشکلاتی مواجهند؟

ارزیابی عملکرد هر سازمان، نهاد و رده در درجه اول وابسته به اهدافی است که در ابتدای ورود راجع به آن صحبت کرده و نظر می‌دهند و بعد از آن هم مراجعه به آمار و اطلاعاتی اســت که نهادهای مستقل یا خودشان منتشرمی‌کنند.

کشور ما شتابی در بحث توسعه فعالیت‌های پژوهشی و علمی گرفته بود که طی چندین ســال با توان و دستاوردهای بالا ادامه داشت به نحوی که معتبرترین نهادهای نظارتی دنیا اعتراف کردند جغرافیای تولید علم دنیا در حال تغییر است. مثلا قبلا می‌گفتند اگر کسی به دنبال علم می‌گردد به آمریکا یا اروپا برود. معنای تغییر جغرافیای تولید علم این است که تعاملاتی که با آن مناطق جغرافیایی خواهند داشــت متفاوت از گذشته خواهد بود. وضعیت علم و دانشگاه در ایران در چنین وضعیتی تحویل دولت یازدهم شد. در آغاز هر طرح و پروژه جدیدی به دلیل اینکه هیچ تجربه‌ای وجود ندارد، می‌توان بعضی از عدم توفیق‌ها را توجیه کرد. اما وقتی در یک حرکت خوب و درخشان به دستاوردهای افتخارآمیزی دست پیدا می‌کنیم، انتظار این است که در ادامه مسیر سرعت کمتر از سابق نشود.

اگر بخواهیم اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا واقعا خوشحال باشند و انگیزه و روشن‌بینی نسبت به آینده داشته باشند، نیازمند فعالیت علمی معنادار و واقعی هستیم. یعنی دانشجو احساس می‌کند در یکی از حوزه‌های پیشــرفته علمی کار می‌کند و این خاستگاه مناسبی در جامعه دارد و در آینده می‌تواند متناســب با این رشته جایگاه و منزلت اجتماعی خوبی داشته باشد. این مسائل دانشجو و استاد را دلگرم می‌کند و می‌توانند در این رشته‌ها مرزهای دانش را طی کنند و سری در سرها داشته باشند. اینها انگیزه می‌دهد. بله! ممکن است بعضا محیط، امکانات رفاهی و فضای سیاسی موثر باشد ولی مهم‌ترین بخش کار جدی علمی است. اساتید هم برای اینکه به روز باشند و درس خوب دهند و بتواند غیر از بحث آموزشی به توسعه مرزهای دانش نیز کمک کنند، نیازمند طرح‌ها و پروژه‌های جدی هستند. طرح‌ها و پروژه‌های انتزاعی، کمی که پیش می‌رود به دلیل اینکه درســت تامین نمی‌شود، زمین می‌خورد و حداکثر مقاله و کتاب می‌شود. بر همین اساس می‌گویم مهم‌ترین ماموریت معاونت پژوهشی این بود که پژوهش‌های هدفمند منجر به دستاوردهای مورد نیاز کشور انجام شود.

اما متاسفانه در دولت یازدهم به کل این مساله فراموش شد. ما در دوره قبل حــدود ۴۰ طرح کلان ملی را با انگیزه هدفمنــد کردن پژوهش‌ها و فعالیت‌های پژوهشی تصویب کردیم. حدود ۶۰ دانشگاه و پژوهشگاه با چند ده دستگاه اجرایی درگیر کار شدند. مرحله اول کار پیش رفت و سازماندهی اولیه انجام شــد و بعضــی از طرح‌ها هم جلو رفت. به اذعان خود رؤســا و اساتید دانشگاه امیرکبیر، علم و صنعت و شریف، این فعالیت‌ها موجب شور و اشتیاق در دانشگاه شد. رئیس دانشگاه علم و صنعت سال ۹۰ گفته بود برای نخستین بار درآمدهای محقق‌شده پژوهشی دانشگاه از هزینه‌های جاری جلو زد. اما همه این تب و تاب‌ها از کار افتاد یعنی با طرح‌های کلان با نگاه به اینکه این طرح‌ها احتمالا با زد و بند گروهی و باندی و منافع شــخصی و سیاسی شکل گرفته، مخالفت شد. در ادامه نیز با هدفمندی فعالیت‌های پژوهشی مانند توسعه رشته‌ها و دانشجو گرفتن که متناسب با طرح‌ها بود، مخالفت شد و چیزی جایگزین آن نشد! نتیجه این شد که ۳-۲ سال تولید علم از حالت شتاب به حالت افقی درآمد و یک جایی هم منفی شد. البته سال ۲۰۱۶ توفیق نسبی کسب شد و یک مقدار زیاد شد اما هنوز آمار قبلی تکرار نشده است.

ما در حوزه تولید مقاله نه تنها به آن اهدافی که تصویر شده بود نرسیدیم بلکه افت و رکود هم داشــتیم. در رفع نیازهای علمی کشور و کارهایی که شروع شده بود و می‌توانست نتیجه دهد، رکود داشتیم و شاهد هیچگونه توسعه‌ای نیستیم. در سایر شاخص‌های پژوهشی همچون ارتباط دانشگاه و صنعت، پروانه ثبت اختراع، ارتقای کیفیت و فعالیت انجمن‌ها و نشریات علمی و همه آن چیزهایی که در نقشه جامع علمی کشور آمده است، یا افت داشتیم یا توانستیم آن را در همان وضعیت سابق حفظ کنیم. لذا در مجموع عملکرد پژوهشــی دولت یازدهم عملکرد غیر قابل قبولی است. با توجه به زمان، ســرمایه اجتماعی و راهی که رفته بودیم، با یک مدیریت مناســب می‌توانستیم به دستاوردهای درخشانی برسیم. در دوره‌ای که دشمن تلاش می‌کند ما را تحریم و محاصره کند این حرکت بالنده می‌توانست نقطه قوت اساسی را در کنار نقاط قوت دیگری که داریم ایجاد کند که متاسفانه نشد. در بعضی رشته‌ها مثل فضایی بشدت افت داشتیم یعنی ما در دوره گذشته چندین پرتاب و در مدارگذاری موفق ماهواره‌ها را داشتیم و در عرصه فضایی دنیا رتبه هشــتم را کسب کردیم. یعنی به قابلیتی رسیدیم که توانستیم ماهواره خودمان را خودمان در مدار قرار دهیم. به دلایل بعضا سیاسی و یا ناتوانی و سوءتدبیر، خیلی از برنامه‌هایی که در عرصه فضایی پیش‌بینی شده بود را انجام ندادیم و به توفیقی نرسیدیم. این دولت ماهواره‌هایی که تکمیل و آماده پرتاب شده بود و در سکو قرار گرفته بود را برگرداند. حالا اینکه در دولــت دوازدهم علم فضایی به چه صورتی خواهد بــود را باید در برنامه و عملکرد دید. حقیقت آن است که سیاسی کارها، موتور علم را خاموش کردند.

■ تجزیه سازمان فضایی کار بسیار بدی بود

یکــی از کارهای بدی کــه در عرصه فضایی کردیم، تجزیه ســازمان فضایی بود. سازمان فضایی با ترکیب همه ظرفیت‌های موجود کشور ایجاد شــده بود تا بتواند حداکثر اســتفاده را از ظرفیت‌ها صورت دهد. یعنی در سیاست‌گذاری، اجرا و بهره‌برداری و... اما اینها مثل حالت سابق به ۴ قسمت تقسیم شد که هماهنگی بین‌شان معضل بزرگی شده است؛ یعنی مرکز ملی فضایی کارهایی را انجام می‌دهد که سازمان فضایی فعلی قبول ندارد و یک کارهایی را پژوهشگاه فضایی انجام می‌دهد که آن یکی قبول ندارد و... . قبلا اینها همه تحت نظر یک ســازمان بود که متاسفانه نگذاشتند آن سازمان عمری کند. باید آن سازمان ادامه پیدا می‌کرد تا آثار مثبتش بیشتر ظاهر می‌شد ولی یکی از راهبردهای اساسی در مواقعی که با کمبود منابع مواجه هستید، ایجاد تمرکز است تا کار بزرگ انجام شود.

■ کارآمدی سیستم آموزش عالی ما به چه صورت است؟ شما فکر می‌کنید در کدام قسمت سیســتم آموزش عالی ما مشکل وجود دارد که منجر به این اتفاقات شده است؟ غیر از اینکه ممکن است مســؤولان دولتی تدابیری را اتخاذ کنند اما از طرفی ممکن است سیســتم آموزش عالی ایراداتی داشــته باشــد. وظیفه مسؤولان آموزش عالی در ارتباط با هماهنگی پژوهش‌هایی که دانشجویان روی آن کار می‌کنند با نیازهای اصلی کشــور چیست؟ اگر در این حوزه کم‌کاری صورت گرفته لطفا تشریح کنید.

در کشــور ما ۲ نهاد هستند که در موضوع علم و فناوری خیلی نقش دارند؛ یکی معاونت علمی رئیس‌جمهور است و دیگری وزارت علوم. به نظر من معاونت علمی در این دوره با توجه به جمیع منابعی که دارد و فشارهایی که پشتش بود، عملکرد قابل قبولی داشت. به دلیل اینکه سوال‌تان خیلی بنیادی اســت می‌گویم برای اینکه ما نتیجه موفق در هر عرصه‌ای داشته باشــیم، نیازمند یک جهت‌گیری درست هستیم. یعنی اگر شما بخواهید به شــمال بروید و به سمت جنوب بروید هر قدر تندتر بدوید از هدف دور می‌شــوید. جهت‌گیری یعنی چه؟ یعنی آیا ما اعتقاد داریم که با تکیه بر ظرفیت‌های خودمان کشور را تقویت کنیم یا خیر؟ بعد از جهت‌گیری، باید جهت‌ها را تبدیل به برنامه کرد. ما می‌گوییم می‌خواهیم مقام اول فناوری منطقــه را به دســت بیاوریم. علاوه بر اینها در بحث فضــا و مدار پایین به خودکفایی برسیم و...؛ اینها همه خوب است و همه به شما احسنت می‌گویند ولی باید توان برنامه‌ریزی داشــته باشیم. برنامه‌ریزی یعنی باید بدانیم چه می‌خواهیم و از کجا بیاوریم و چقدر زمان می‌خواهیم و چه سازمان و چه روالی باید طی شود و... . بعد از جهت‌گیری و زمانبندی و تامین منابع مالی، نیازمند ظرفیت‌ها هستیم. این ظرفیت‌ها در دانشگاه و پژوهشگاه‌ها هستند. همه این مسائل که تعیین و برنامه تدوین شد، نوبت به اجرای خوب می‌رسد. اولین مساله، پایبندی به همان برنامه است. شما مدیری را منصوب کنید که برنامه را کنار بگذارد و براساس عشق و علاقه و انگیزه و دید خودش عمل کند؛ همه آن حرف‌ها که قبلا زده شد کشک می‌شود، بنابراین باید مدیری را سر کار گذاشت که هم بفهمد برنامه چیست و هم این برنامه را قبول داشته باشــد و پای آن بایستد. این یک بخش کار است. بخش دوم این است که توانمندی و تجربه داشته باشد و بتواند ظرفیت‌ها را پای کار بیاورد.

شــما هر جای دنیا بروید بحث شایسته‌سالاری و مدیر شایسته را که مطرح کنند منظورشان این است فردی که انتخاب می‌شود مدیر شایسته و توانمندی است. فرض کنید من می‌خواهم جوشکاری کنم ولی یک نقاش را پای کار بگذارم! به احتمال قریب به یقین چیز بدی به دست می‌آید یا معنی آن این است که من اصلا نمی‌خواهم جوشکاری کنم و این را گذاشته‌ام که رفع تکلیف کنم!

گام سوم «اجرا» است. در این اجرا نیازمند سیستم مدیریت و مدیران شایسته هستیم. وقتی شما می‌بینید کار پیش نمی‌رود، گیر اصلی آنجاست. نمی‌شود کار به این پراهمیتی را به حال خودش رها کنیم و بگوییم هر کاری که کرد، مهم نیست. یکی از سیستم‌های نظارتی ما در بحث علم و فناوری، شورایعالی انقلاب فرهنگی است. حضرت آقا در بند ۲ حکم انتصاب سال ۹۳ اعضای شورا اشاره کرده بودند که باید شما سرعت رشد علمی را رعایت کنید. اگر قرار باشد اینها اختیار نداشته باشند و نظارت نکنند چرا آقا چنین خطابی به اینها کردند؟ پس اینها نقش و سهم دارند و باید از دستگاه مرتبط گزارش بخواهند تا ببینند گیر کار کجاست و چرا نمی‌شود؟ اگر لازم بود با مصوبه یا تغییرات جدید فضا را باید مهیا کرد.

در بحث نظارت علاوه بر شــورایعالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی حضور دارد. مجلس به تمام وزرا رای می‌دهد؛ این رای بر مبنای چه چیزی است؟ بر مبنای برنامه‌ای است که وزرا به نمایندگان می‌دهند. خب! آن برنامه را مجلس مقابلش بگذارد و از وزیر محترم مطالبه کند. بگوید در پژوهش گفتید که این کار را می‌کنم؛ چه شد؟ در آموزش این کار را می‌کنم؛ چه شد؟ اما در کل می‌توان گفت نظارت‌ها خیلی کمرنگ است. مجموع اینها باعث می‌شود در عرصه‌ای که می‌توانستیم توفیقات بزرگ‌تری داشته باشیم، توفیقات کاهش پیدا می‌کند و خیلی کم می‌شود. ما می‌توانیم خود را راحت کنیم و بگوییم وظیفه‌مان آموزش است. اما وقتی دانش‌آموخته در بازار کار توانمندی لازم را ندارد، پس یک جای کار می‌لنگد. یا وقتی پژوهش‌های‌مان صرفا به کتابخانه می‌رود یعنی یک جای کار مشکل دارد.

■ هزینه‌های افسانه‌ای در آموزش عالی را باید وارد چرخه اقتصاد کنیم

ســال ۹۵ آموزشــگاه عالی دولتی که ۱۶ درصد دانشــجویان را در بر می‌گیرد اعتباراتش حدود ۹۰۰۰ میلیارد تومان بوده است. یعنی ما ۹۰۰۰ میلیــارد تومان خرج پرداخــت حقوق و مزایای اســاتید و ابنیه و فعالیت پژوهشــی و... کردیم در جایی که ۱۶ درصد جمعیت دانشجوی ما را در بر می‌گیرد. بقیه آن در دانشگاه‌های آزاد، پیام نور و... است که خود دانشجویان پرداخت‌ها را انجام می‌دهند. اگر اینها را ســر هم کنید، یک رقم افسانه‌ای می‌شود. این پول افسانه‌ای باید مدیریت شود یعنی کشوری که ما می‌گوییم منابع کم دارد، اگر یک طرح و برنامه مناسب داشته باشیم، بخش مهمی از اینها را می‌توانیم وارد عرصه اقتصادی کشور و تبدیل به ارزش افزوده کنیم تا باعث یک رونق اقتصادی شود و دوباره بتواند به خود آموزش عالی کمک کند. متاسفانه اینگونه نشد.

■ ارتباط بین صنعت و دانشگاه و ارتباط بین بازار و دانشگاه آن طور که باید باشــد، نیست و در این زمینه مشکل داریم. هیچ متولی‌ای که یک‌بار برای همیشــه این مسیر را آغاز کند، وجود ندارد. اهالی صنعت می‌گویند ما نمی‌توانیم به دانشــگاه اعتماد کنیم و سرمایه حداقلی را به دانشگاه منتقل کنیم. شما فکر می‌کنید آن هدفگذاری لازم باید کجا صورت بگیرد؟

همان روز اول که بنده خدمت دوستان وزارت علوم رفتم، همین مطالب را گفتم. در آن زمان گفته بودم هم دانشگاه و هم صنعت باید تغییر کند. وظیفه دانشــگاه فقط آموزش و فارغ‌التحصیل شدن دانشجو نیست و باید دانشــگاه فراتر از این برود. این باید در آیین‌نامه تدوین شود یعنی اگر شما در آیین‌نامه ارتقا بگویید که اســتاد به شرطی استاد تمام می‌شود که یک کار ملی و پروژه انجام داده باشــد، طرف خودش را به در و دیوار می‌زند که پروژه انجام دهد.

بخش دیگر فرهنگ است. چطور شما می‌توانی یک چیزی را در جامعه تبدیل به معروف کنی که مردم هم آن را بخواهند؟ مثلا فرض کنید مراقبت از محیط‌زیست به امر همگانی تبدیل شده است و همه می‌گویند درخت را چرا قطع می‌کنی؟ آب را چرا حرام می‌کنی؟ این یک خواست همگانی است که به معروف تبدیل شده و خیلی هم خوب است.

چــه معنی دارد که ما درس بخوانیم و برای دیگران بنویســیم که این نوشته‌ها هیچ خاصیتی ندارد؟ دانشــجوی ما با کمترین مهارت زندگی و اجتماعی و کاری دانش‌آموخته می‌شــود. پس نیازمند تغییر در فرهنگ و رفتار و سبک و ارزش‌ها هستیم تا در صنعت و اقتصاد کلان تغییر ایجاد کند.

■ کارگری کردن برای فرانسوی‌ها چه فایده‌ای به حال صنعت ما دارد؟

صنعتی که فرانسوی‌ها همه چیزش را راه بیندازند و یک سوییچ بیندازند داخلش و شــما کارگری آن را بکنید، چه مساله‌ای برای حل کردن دارد؟ یعنی چه مســاله علمی‌ای برای حل کردن دارد؟ محصول را که او طراحی می‌کند و ارتقا را او انجام می‌دهد؛ تضمین کیفیت و استانداردهایش هم برای اوست، بنابراین چه چیزی از آن برای ما می‌ماند که بخواهیم حلش کنیم؟

ما نه حق داریم محصول جدیدی تولید کنیم و نه حق داریم آرم پژو را در جایی استفاده کنیم. آن شرکت فرانسوی حتما باید طراحی کند. طبق قــرارداد ۳۰ درصد از تولیــد را می‌توانید صادر کنید و ۷۰ درصد برای بازار داخلی اســت. اما اگر بگویی من یک مشتری خارجی دارم، اجازه صادرات بیشتر ندارید!

ما باید برای صنایعی که کلیدی است، مالیات را حداکثر ممکن کنیم و آنهایی که مبتنی بر توان داخلی طراحی، راه‌اندازی و بهبود پیدا می‌کند، مالیاتش را تا ۱۰ ســال صفر کنیم. به عنوان مثال شرکت‌های دانش‌بنیان مالیات‌ندهند.

■ چه کنیم که این تغییر معنادار شود؟

یکی از راه‌هایی که ما فکر کردیم این بود که کشور ما ظرف مدت ۱۰ سال آینده به چه صنایعی نیاز دارد و چه نیازمندی‌های اساسی در حوزه‌های مختلف دارد؟ اینها را تبدیل کردیم به یک طرح کلان و گفتیم کشور ما در بحث صندلی هواپیما کمبود دارد؛ مطالعه کردیم و بررسی‌ها نشان داد ما به هواپیماهــای ۱۵۰ نفره در آینده زیاد نیاز داریم و این محصول بازار خوبی دارد و می‌توانیم بازار خارجی هم داشته باشیم و احتمالا ما این توانمندی و زیرساخت را داریم که به کمک‌مان بیاید. این یک پروژه شد. وقتی چنین چیزی توسط دانشگاهیان و محققان پروژه می‌شود، نیازمند ارتقا و تغییرات در سیستم هستید. با این پروژه‌ها هم برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فضا و فرصت اشتغال سطح بالا ایجاد می‌شود و هم دانشگاه و صنعت به هم پیوند می‌خورند. اینجا دیگر فرانسوی‌ها نیستند که بخواهند همه معما را حل کنند.

■ وقتی سر تا پا نیاز باشی، هر وقت دل‌شان بخواهد تحریم می‌کنند

این ســوال پیش می‌آید که آیا اساسا هر گونه همکاری با خارج را نفی کنیم؟ نه! ما می‌گوییم شما باید یک حداقل و پایه‌ای را ایجاد کنی و خودت توانمند باشی تا قابلیت گفت‌وگو و صحبت را داشته باشی. وقتی شما سر تا پا نیاز هســتی، حرفی برای گفتن نداری و آنان هر وقت دلشان بخواهد، تحریم‌تان می‌کنند. چه کســی فکر می‌کرد پژو که در ایــران بازار دارد، به ایران بگوید با تو کار نمی‌کنم؟ آمدند و کار را نیمه‌کاره گذاشــتند و رفتند تا مردم را تحت فشار بگذارند. دولت فرانسه هم ضررهایش را از جای دیگر جبران کرد زیرا اصل برای‌شان این است که ایران را زمین بزنند یعنی اینجا معادله اقتصادی کار نمی‌کند و معادله سیاسی کار کرده و بر معادله اقتصادی می‌چربد.

بتازگی تحریم‌های شدیدی علیه ایران به تصویب رسید و قانون شد. آیا همکاری اروپایی‌ها با آمریکا بر مبنای معادله اقتصادی است؟ قطعا نیست! معادله سیاسی است. در چنین شرایطی عقل سلیم چه می‌گوید؟ شما باید به سطحی از توانمندی برسید که اگر هم تحریمت کنند، نتوانند به خواسته خودشان برسند. الان خیلی راحت می‌گویند ما باید ۵ سال دور ایران دیوار بکشیم، البته اشتباه می‌کنند ولی اینطور محاسبه می‌کنند.

ما برای حل ریشه‌ای ارتباط دانشگاه و صنعت نیازمند موضوعات کاری مورد علاقه ۲ طرف هستیم. یعنی هم منفعت صنعت را فراهم کند و هم دانشگاهی‌ها را راضی کند. آن موضوع چیست؟ موضوعات جدیدی است که اتفاق می‌افتد. این می‌تواند سهم عمده‌ای داشته باشد. وقتی کار راه بیفتد، صنعت و جامعه به دانشگاه اعتماد می‌کنند و صنعت به جای اینکه ۶ ماه یکبار به دنبال نیازهایش باشد، می‌تواند آینده دورتر را ترسیم کند و مسائل ۲ یا ۵ سال دیگر را به دانشگاه بسپارد. یک بخش هم بنیادی است که دولت باید کمک کند و ۸۰ درصد آن نیازهای جامعه است که آنها کمک می‌کنند و این پیوند، پیوندی قوی می‌شود.

مشکلات ارتباط دانشــگاه و صنعت در همه جای دنیا وجود دارد ولی به شدت کشور ما نیست. ما باید از این سطح عبور کنیم. آن زمانی که ما در وزارت علوم بودیم، تلاش کردیم به این ســمت حرکت کنیم یعنی کلا شــعار تبدیل علم به ثروت را مبنا قرار داده بودیم و یکی از مظاهر تبدیل علم به ثروت، تقویت بنیادی ارتباط دانشگاه و صنعت بود. همان حرکت‌ها باعث شــد زمینه یک سری از قوانین مثل یک درصد و معافیت‌ها و قانون شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد شود. اگر جهت‌گیری‌های کلی ما به این سمت بود که ظرفیت‌های داخلی را ارتقا و اینها را به هم پیوند بدهیم، این پیوند می‌توانست سریع‌تر به ثمر برسد. حالا معاونت علمی یک کارهایی کرد و از بخشی از ظرفیت‌ها استفاده کرد و دستاوردهای نسبتا قابل قبولی داشت که می‌توانست خیلی وسیع‌تر شود.

■ مشکلات اشتغال دانشــجویان که ناشی از عدم پیوند صنعت و دانشگاه است، چه تاثیری می‌تواند روی اجتماع و روان خانواده‌ها بگذارد؟ دانش‌آموزی که وارد دانشگاه می‌شود حالا وقتی لیسانس گرفت، ایران را مناســب برای ادامه تحصیــل نمی‌داند. اینجا یک اتفاقی به نام فرار مغزها می‌افتد. ما یکسری از توانمندی‌های خود را از این طریق از دســت می‌دهیم. فکر می‌کنید چه کارهایی باید صورت می‌گرفت که نگرفته؟

فرمایش شــما چند بخش دارد. یک وجه تاثیرات سوء وضعیت حاضر یــا تــداوم آن بر روح و روان جامعه، خانواده‌ها و فرد اســت، یکی هم بحث فرار مغزها یا مهاجرت آنها است و دیگری نظامات و الگوهای ارزیابی علمی اســت. ۵۰ درصد کسانی که به آموزش عالی وارد می‌شوند و وقت و هزینه می‌گذارند و دنبال آمال و آرزوهای‌شــان هســتند برای عشق به علم وارد دانشگاه نشده‌اند بلکه به امید اشتغال و منزلت اجتماعی بالاتر وارد دانشگاه شده‌اند. البته اشتغال انگیزه خوبی است برای اینکه ملت را پای تحصیلات بکشانند. ما به عنوان سیاست‌گذاران چه کنیم؟

■ باید خدمات فنی و مهندسی هم صادر کنیم

قبل از انقلاب پزشــکان هندی و بنگلادشی در کشــور داشتیم. الان می‌بینید یک شرکت کره‌ای یا چینی که پروژه‌ای در ایران دارد، با خود ۵۰۰ نیرو از کارگر و جوشکار متخصص تا مهندس و طراح می‌آورد.

ما اگر درســت بیندیشــیم می‌توانیم بــا اصلاحاتــی در مهارت‌افزایی دانشجویان، برای بسیاری از فارغ‌التحصیلان، بدون اینکه خودشان بخواهند برای کار به فلان کشور بروند، اشتغالزایی کنیم. مگر باید صادرات‌مان همیشه نفت و مواد خام باشــد؟ ما می‌توانیم خدمات فنی و مهندسی صادر کنیم. الان فرض کنید یکی از کشورهای منطقه می‌خواست پارک علم و فناوری بزند. چیزی که نداشــت متخصص بود. ما برویــم به اینها بگوییم ۱۰۰ تا شرکت برای شما تاسیس می‌کنیم که در کشورتان کار کنند. این ۱۰۰ تا به معنای مهاجرت مغزها نیست و به معنی محل کار است. وقتی کارگر ساده را اعزام می‌کنیم چرا نتوانیم مهندسان را اعزام کنیم؟ ما چهارمین کشور در جهان از لحاظ تربیت مهندس هستیم. الان در اسناد سازمان ملل یکی از شاخص‌های توسعه نسبت مهندسین جامعه است. اینکه شما مهندس زیاد دارید، باید خیلی خوشحال باشید. این باید نشانه توسعه‌یافتگی اقتصاد باشد. خــب! چرا الان ما ناراحت هســتیم و می‌گوییم این همه مهندس بیکار را چــه کنیم؟ خب! باید برای حلقه‌های بعدی فکر و کار کنیم و فرصت‌های مختلفی ایجاد کنیم.

■ الان ما در شــرایطی هستیم که تحریم می‌شویم در حالی که در برجام پیشــقدم شدیم و برخی فعالیت‌های علمی‌مان مثل پرتاب ماهواره را تعطیل کردیم. به نظر شــما ما از این داشــته‌های علمی مثــل پرتاب ماهواره، چطــور می‌توانیم در راســتای تحقق اهداف سیاسی اســتفاده کنیم؟ در کدام فضاهای علمی می‌توانیم دست برتر خودمان را نشان دهیم؟

ما در حوزه زیست فناوری و نانوداروها چند کار خوب کردیم و با وجود اینکه به ظاهر تحریم هســتیم ولی محصولات‌مان را در خارج به‌راحتی به فروش رســاندیم. الان جهان یکپارچه نداریم کــه بتوانند کاری کنند که کشورها نتوانند نفس بکشند. ما باید به فضاهای دیگر فکر کنیم. فرض کنید روســیه را تحریم کردند. روسیه کشوری بزرگ با امکانات وسیع است که می‌تواند از دستاوردهای ما استفاده کند و ما هم می‌توانیم از دستاوردهایش استفاده کنیم. اگر شرکت‌های دانش‌بنیان تقویت شوند و نهادی بتواند اینها را از دره مرگ تجارت عبور دهد می‌توانند بازارهای داخلی و خارجی را تثبیت کنند؛ این یعنی رونق اقتصادی. خیلی از این جمعیت ۴ میلیونی دانشجو و حدود یک میلیون دانشــجوی ارشد و دکترا می‌توانند در این مجموعه‌ها فعالیت کنند.

ما باید داشــته‌های علمی‌مان را در داخل و خــارج نقد کنیم. باید در درجه اول زنجیره‌های ارزشی اقتصادی و صنعتی را در داخل کشور ببندیم یا حداقل در داخل زنجیره را ببندیم و زنجیره بزرگ را در خارج ببینیم تا اگر آن زنجیره خارج قطع شد همه چیز از هم نپاشد. اگر فردا پژو گذاشت و رفت، با این مدل پژو ۲۰۰۸ و... چه می‌خواهیم بکنیم؟ برای داشــته‌های خودتان هیچ فکری نکرده‌اید و کاری نمی‌توانید بکنید اما الان می‌توانیم فضا را بــرای خودمان ایجاد کنیم. این کار را بکن و تا وقتی آن زنجیره خارجی می‌چرخد، استفاده کن. الان چند شرکت داخلی داریم که می‌توانند قطعات بسیار باکیفیت خودرو بسازند؟ حتی قطعاتی که به‌راحتی به خارج کشور می‌توان صادر کرد. وقتی دانش در کشور باشد می‌توان از آن برای طراحی و ساخت خودروی کلاس بالاتر استفاده کرد.

اینها که تحریم‌پذیر نیســت. شــما به بعضی قطعــات و مواد خارجی نیازمندید. الان که زیرساخت‌های مناسبی دارید، قبل از اینکه این موضوع تبدیل به یک معضل شــود، باید برای آن چاره‌جویی کرد تا ظرفیت‌هایش به‌روز شود و خودکفا شوید.

■ پروژه‌های کلان ملی به علت نرسیدن بودجه تعطیل شد

اما در این دوره بســیاری از پروژه‌هایی که نگاه به داخل داشــت یا کلا منتفی شد یا سرعتش کاهش پیدا کرد و شرط و شروطش را زیاد کردند. ۴۰ طــرح کلان ملی را به ۱۳ طرح کاهــش دادند و به آن هم خیلی پول ندادند و تعطیل شد. در صورتی که در خیلی از کارهای مصرفی خیلی بیشتر از اینها هزینه شده است. من نمی‌خواهم با طرح تحول سلامت مخالفت کنم ولی مردم غیر از سلامت به اشتغال هم نیاز دارند یا نه؟ به عزت نیاز دارند یا نه؟ اگر در طرح تحول سلامت می‌شود از جایی پول جمع کرد، چرا برای این حوزه‌ها نمی‌شود؟ یا حداقل باید یک توازنی بین این دو باشد. آیا این به یک تدبیر نیاز ندارد؟ مردم امنیت غذایی نمی‌خواهند؟ شغل نمی‌خواهند؟ کار و رونق نمی‌خواهند؟ اینها نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. چطور می‌توانیم برای طرح ســلامت که مصوب برنامه پنجم نبود، با تمام پیامدهایش پول تهیه کنیم ولی نمی‌شود برای ۴ طرح بزرگ که در شورایعالی عتف تصویب شد و آینده جوانان‌مان را تضمین می‌کرد، پول تهیه کرد؟! این طرح‌ها در ۵ سال شاید ۵ هزار میلیارد هزینه داشت ولی پیامدهایش بسیار وسیع بود و دســتاوردهای چشمگیری داشت. من فکر می‌کنم در همین اوضاع باید دستاوردهایی که در این مدت حاصل شد را در داخل و خارج توسعه دهیم و سعی کنیم تعرفه‌های ترجیحی را به سمت داخل حرکت دهیم و منابع را صرف توســعه و تقویت توان داخلی کنیم و صنایعی را که ارزش افزوده بالا دارد بیشتر مورد توجه قرار دهیم. شرکت‌های دانش‌بنیان را از حمایت بیشتری برخوردار کنیم. اینها در یک بازه زمانی چند ساله به نحوی صحنه را تغییر می‌دهد که تمام امیدهای شیطان را ناامید می‌کند.

■ رویکرد وزارت علوم در دولت دوازدهم به چه صورت باید باشد؟

فکــر می‌کنم تجربــه دولت یازدهم از این لحاظ خوب بوده باشــد که رئیس‌جمهور، وزیــری را انتخاب کند و مجلس به وزیری رای بدهد که تا بن دندان اعتقاد به تبدیل علم به ثروت داشته باشد و براساس این اعتقاد، قدرت برنامه‌ریزی و هدایت و مدیریت خود را در جایی اثبات کرده باشــد. وزیر علوم باید بتواند از ظرفیت همه کشور استفاده کند. بدیهی است انقلابی، مومن و جهادی بودن که رهبر حکیم انقلاب فرمودند، جزو مقدمه است. وزیر باید با محیط آشنا و پایبند برنامه باشد و قدرت تعامل و دغدغه جدی برای کسب نتایج مثبت در عرصه علمی داشته باشد. اگر چنین وزیر خوبی معرفی کنند و مجلس به وی رای بدهد، بخش مهمی از مشــکلات ما در آموزش عالی حل خواهد شد.